

سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۸/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۱۲/۸

یدالله دادگر*
محمدباقر نجفی**

۱۴

اقتصاد اسلامی / سال ششم / شماره ۲۴ / زمستان ۱۳۸۵

چکیده

هر چند احیا و طرح جدی سرمایه اجتماعی به یک یا دو دهه آخر قرن ۲۰ استناد داده می‌شود اما با توجه به ماهیت موضوع می‌توان آن را پدیده‌ای ریشه‌دار و به‌طور کامل قدیمی دانست که در اندیشه‌ها، گرایش‌ها، سنت‌ها، رفتارها، نهادها، مجموعه ارتباطات، شبکه‌های انسانی و اجتماعی ظهور و حضور داشته است. این موضوع با توجه به پیوندهای اخلاقی و ارزشی‌اش با سنت‌های دینی، رفتار و پندار بنیان‌گذاران ادیان آسمانی، هم‌پیوندی‌های قابل توجهی دارد. در این مقاله درصدد هستیم که موضوع را به عصر پیامبر ﷺ و به کارکرد و اندیشه آن وجود بزرگ ارتباط دهیم. در بخش‌های اول و دوم به زمینه‌های اولیه، محورهای اساسی و عناصر تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی می‌پردازیم و سپس پیوند اندیشه و کارکرد رسول مکرم را با این موضوع ترسیم می‌کنیم. روش تدوین مقاله تحلیلی - وصفی و با کمک شیوه‌های کتاب‌خانه‌ای بوده از شواهد تاریخی و نقل احادیث و آیات فراوانی نیز استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، پیامبر اعظم ﷺ، نهادهای اسلامی، سرمایه.

* دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (y-dadgarS@sbu.ac.ir)

** عضو هیأت علمی دانشگاه رازی.

مقدمه و تبیین سرمایه اجتماعی

در این قسمت ضمن اشاره به روند تاریخی و تحولات سرمایه اجتماعی، چارچوب مفهومی آن مورد توجه قرار گرفته است. چون هدف نهایی مقاله تحلیل (و در مواردی تطبیق) سیره و اندیشه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با معیارها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی است، لذا ترسیم مفهوم و روند این مقوله در قست‌های اولیه بحث، ضرور است. ذکر یک نکته پیش از معرفی موضوع ضرور است و آن اشاره به فراگیری مفهوم سرمایه اجتماعی است. لذا تأکید می‌کنیم که با وجودی که سرمایه اجتماعی، خاستگاه قابل ارجاع اقتصادی دارد، اما افزون بر اقتصاد، یک مفهوم محوری در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، مدیریت و امثال آن نیز می‌باشد. سرمایه اجتماعی در واقع بازیافت‌هایی است که در موضع و موقعیت افراد در ارتباط با دیگران مطرح است. اصولاً سرمایه به‌طور مطلق از دید اقتصادی، عنصر پیش‌برنده است. لذا هر پدیده‌ای که خصلت سرمایه داشته باشد مورد استقبال اقتصاد و اهل آن است. البته سرمایه به‌طور سنتی به‌طور عمده شامل سرمایه‌های فیزیکی مانند ماشین‌آلات، کارخانجات، ساختمان‌ها، ابزار و تجهیزات بوده است. پس از شکل‌گیری سرمایه فیزیکی، سرمایه‌های مالی و واسطه‌ای نیز مطرح شد که آن‌ها بیشتر جنبه تسهیل‌کنندگی مبادلات را دارند. سرمایه واسطه‌ای خود شامل سرمایه واسطه‌ای مالی و سرمایه واسطه‌ای کالایی است. سرمایه مالی در قالب دو بازار پول و بازار اوراق بهادار و بورس مورد مبادله و استفاده واقع می‌شود. سرمایه واسطه‌ای کالایی، به‌طور عمده طلا را شامل می‌شود. هر چند در کشورهایی که اوضاع اقتصادی متعادلی حاکم نباشد ممکن است کالاهای دیگری (مثل تلفن همراه در برخی دوره‌های اقتصاد ایران) نیز به‌صورت واسطه‌ای مبادله شوند.

از دهه ۱۹۵۰ مقوله‌ای به‌نام سرمایه انسانی مطرح شد که در واقع شامل تخصص‌ها و توان‌مندی‌های مهارتی گروه‌هایی از انسان‌ها بود. به‌عبارت دیگر سرمایه انسانی دسته‌بندی جدیدی از توان‌مندی‌ها و قابلیت‌های انسانی است که از پیش فقط در قالب «نیروی کار عمومی» خلاصه می‌شد و به این دلیل سیطره رویکرد نئوکلاسیک بر اقتصاد متعارف بوده است (نمازی، دادگر، ۱۳۸۵). اصولاً در رویکرد نئوکلاسیک، نیروی کار، پدیده‌ای یکنواخت و همگن تصور می‌شود و از آن‌جا که این رویکرد در سال‌های فراوانی بر دیگر رویکردهای اقتصادی حاکم بوده است، لذا در آن اوضاع و احوال، سرمایه انسانی مطرح

نبود. اما از زمان اقتصاددان معروف، «پیگو» زمینه تفکیک سرمایه انسانی از سرمایه معمولی نیروی کار فراهم شد. پیگو سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی را برای کسب مهارت بیشتر قابل رقابت با سرمایه‌گذاری فیزیکی قلمداد کرد. «جاکوب مینسر» در سال ۱۹۵۸ در دنیای نئوکلاسیک به مطالعه ابعاد بیشتری از سرمایه انسانی پرداخت (Mincer, 1958). «شولتز» در ۱۹۶۱ و «دنسون» در ۱۹۶۲ به تکامل بیشتر این موضوع مبادرت کردند. «گری بکر» کار «مینسر» و دیگران را در سال‌های بعد تکمیل کرد (Beckr, 1964, Dennison, 1962, schults, 1961).

سال‌ها پس از تثبیت و تکامل سرمایه انسانی بود که سرمایه اجتماعی در جایگاه عامل تعیین‌کننده دیگری در فرایند تولید و توسعه احیا شده و در موارد فراوانی از نو، ظهور پیدا کرد. لذا شاید بتوان سرمایه اجتماعی را سومین مرحله از حلقه تکاملی سرمایه (پس از سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) قلمداد کرد. مسأله مهم در همه انواع سرمایه‌ها، جایگاه مولد و کارآفرینی آن‌ها است. به این دلیل است که به‌طور معمول تشویق به پس‌انداز به‌صورت زمینه رشد اقتصادی قلمداد می‌شود، زیرا از راه پس‌انداز است که می‌توان به شکل‌گیری سرمایه (چه فیزیکی، چه مالی و چه انسانی) امیدوار بود. بدیهی است برای حصول به سرمایه انسانی نیز نیاز به پس‌انداز ملی و پس‌انداز انفرادی است. اما سرمایه اجتماعی با وجود پیوند داشتن با پس‌انداز، ماهیت پس‌اندازی آن متفاوت است. سرمایه اجتماعی ابعاد گوناگونی از بازیافت ارتباطات اجتماعی را شامل می‌شود. از این‌رو صاحب‌نظران موضوع ممکن است برخی به یک بعد و برخی به ابعاد دیگر موضوع توجه بیشتری کنند. از این‌رو اگر به‌طور مثال مشهور است که با مفاد جدید اولین بار «ژانه ژاکوبز» در سال ۱۹۶۰ به عبارت سرمایه اجتماعی اشاره کرده، اما وی فقط از دید نقش شبکه‌ها به این موضوع نگریسته است.* در عین حال بیشتر مشهور است که نخستین مباحث منسجم به‌وسیله «پیر بوردیو» در سال ۱۹۷۲ ارائه شده است. «جیمز کلمن» و «گلن لوری»، در ۱۹۷۷، کری بکر و صاحب‌نظران دیگر نیز بین ۱۹۷۷ تا

* توجه این مقاله تحلیل موضوع، بیشتر از دید اقتصادی است، اما از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مقوله سرمایه اجتماعی موضوعی ریشه‌دار می‌باشد و حداقل به مطالعات قرن ۱۹ در آن عرصه‌ها مربوط می‌شود. زیرا بازخورد هنجارها و سنت‌ها در جوامع گوناگون همواره در زندگی انسانی و اجتماعی مؤثر بوده است و این خود بخشی از سرمایه اجتماعی است.

۱۹۹۶ به تکامل موضوع پرداخته‌اند.^{*} هنوز هم که در اواخر دهه اول قرن ۲۱ قرار داریم، موضوع با شدت و گستردگی فراوان مورد مطالعه، بررسی و در مواردی بازنگری و اجرا است. در دهه ۱۹۹۰ بانک جهانی موضوع سرمایه اجتماعی را با جدیت بیشتری مورد توجه و در دستور کار مطالعات خود قرار داد. انتشار آثار پوتنام و دیگران در سال ۲۰۰۰ و تداوم آن در دهه اول قرن ۲۱ اهمیت مطالعه در این زمینه را بالا برده است. تأکید بر یک نکته در این بخش مقدماتی ضرور به نظر می‌رسد و آن این است که با وجود اهمیت و جایگاه اقتصادی موضوع، خاستگاه سرمایه اجتماعی صرفاً اقتصادی نمی‌باشد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی در قالبی بین رشته‌ای شکل می‌گیرد و موضوعی بین رشته‌ای به شمار می‌رود. شاید به همین دلیل است که برخی از صاحب‌نظران و پیشتانان در سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از هم جدا می‌کنند تا مفهوم سرمایه اجتماعی شفاف‌تر شود. این‌ها سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع انباشت شده بالفعل و یا بالقوه‌ای تعریف می‌کنند که کم و بیش در شبکه‌های اجتماعی نهادینه شده‌اند (Fosler, 1987, Bourdiu, 1986). اما پیوستگی بین رشته‌ای سرمایه اجتماعی به صورتی است که امکان جداسازی کامل جایگاه اجتماعی از دیگر جایگاه‌های موضوع مربوطه وجود ندارد. به طور مثال برخی سرمایه اجتماعی را میزان تجمعی شبکه‌های اجتماعی و بازخورد تعامل حاصل از آن‌ها تعریف می‌کنند و آن را حافظ دموکراسی قلمداد می‌کنند. در همین حال آن‌ها تصریح می‌کنند که مقوله اعتماد نقش محوری در سرمایه اجتماعی دارد و به همین دلیل سقوط اعتماد و یا کاهش نقش آن بین دولت‌ها و حاکمان از یک طرف و مردم از سوی دیگر را نوعی ضایعه عظیم برای کشورها تلقی می‌کنند (Putnam, 1995). از سوی دیگر با وجودی که بازیافت مادی و اقتصادی قابل توجهی برای کارکرد سرمایه اجتماعی قابل تصور است، اما به عقیده ما بازیافت مربوطه صرفاً اقتصادی نیست. در هر صورت برخی از محققان در این عرصه بازیافت سرمایه اجتماعی را فقط در قالبی اقتصادی، انفرادی و بازار محور در نظر دارند (Lin, 2001).

برخی مطالعه‌های سرمایه اجتماعی را فقط در مقوله همکاری مطرح می‌کنند و آن را مجموعه‌ای از ارزش‌ها و سنت‌ها می‌دانند که در میان اعضای یک گروه قرار دارند و باعث

* به طور مثال گری بکر سرمایه اجتماعی را با سرمایه فیزیکی در الگوهای رشد نئوکلاسیک مورد مقایسه قرار داده است.

پدید آوردن و تقویت همکاری بین آن‌ها می‌شوند (Fukuyama, 1995). برخی مطالعه‌های سرمایه اجتماعی را در قالب لایه‌های ساختاری، ارتباطی و شناختی مورد توجه قرار می‌دهند. لایه ساختاری به آن قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های فرد جهت پدید آوردن ارتباط مربوط می‌شود، ابعاد ارتباطی به پیوند افراد با یکدیگر (تعامل، همکاری، اعتماد) مربوط است. همچنین مبادله اطلاعات، شناسایی موضوع، اداره امور، بحث از حل و فصل مشکلات و مسائل مورد نظر بُعد دیگر سرمایه اجتماعی را از دید این‌ها پوشش می‌دهد (Boisot 1995, Granovette, 1973, Nahapiet, 1988). البته برخی از محققان مانند «بوردیو» موضوع را به‌طور عمده در ارتباطات اجتماعی دنبال می‌کند و نه در ساختار اجتماعی، در نتیجه وی نیز بیشتر تأثیر آن را روی افراد مورد تأکید قرار می‌دهد. اما برخی دیگر مانند کولمن هم عناصر ساختار اجتماعی را در مقوله سرمایه اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهند و هم کارکرد انفرادی افراد درباره همدیگر (Coleman, 1988).

نقش مهم سرمایه اجتماعی در هدایت تصمیم‌سازی‌ها و مطالعه دقیق‌تر بازخورد تصمیم‌گیری‌ها باعث شده که دولت‌مردان فعال و حتی مراکزی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز توجه جدی‌تری به سرمایه اجتماعی کرده و در سیاست‌گذاری‌های خود از آن استفاده کنند (Dasgupta, 2000). در عین حال دسترسی همگانی به منافع سرمایه اجتماعی یکسان نیست و بسترهای لازم برای شکل‌گیری این سرمایه در همه جا وجود ندارد. با وجودی که اختلاف‌نظرهایی در مورد تعریف و کارکرد سرمایه اجتماعی وجود دارد، و ممکن است حتی محتوای موضوع از دید رشته‌های گوناگون متفاوت باشد،* در عین حال یک اجماع نسبی در مورد اهمیت و کارآمدی آن مطرح است. در برخی مطالعات مسأله خیلی کلی طرح شده و فقط پیوند نهادی سرمایه اجتماعی مورد تأکید است، برخی دیگر محور اعتماد را از این سرمایه مورد تأکید قرار داده‌اند، برخی نقش و اثر آن را بر سازمان‌دهی‌ها مهم می‌دانند (رنانی، ۱۳۷۶؛ غفاری، ۱۳۸۳؛ یعقوبی، ۱۳۸۱)، برخی در رفتارها و عده‌ای در گرایش‌ها (متوسلی، ۱۳۸۱، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۲) و عده‌ای موضوع را بیشتر در ارتباط با نظریه‌بازی‌ها معنادار دانسته‌اند و گروه‌های دیگر به همه ابعاد (کلمن، ۱۳۷۷).

* نگاه جامعه‌شناسان به قضیه سرمایه اجتماعی در مواردی متفاوت از نگاه عالمان سیاست و عالمان اقتصاد است (Baunston, 2000).

موضوع دیگر چگونگی سنجش و آزمایش سرمایه اجتماعی است. با وجودی که می‌توان برای مفهوم و حتی کارکرد سرمایه اجتماعی بین صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران یک توافق نسبی نشان داد، اما در مورد سنجش موضوع، دشواری‌ها و اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد. البته با توجه به تفاوت دامنه موضوع (سرمایه اجتماعی، پیوندهای سیاسی و اقتصادی)، شاید سنجش‌های متفاوتی هم باید در نظر گرفته شود. به‌طور مثال سرمایه اجتماعی در وادی سیاست را می‌توان تا حدودی با تعداد مشارکت‌کنندگان در گروه‌های سیاسی سنجید. زیرا تصور کلی آن است که گروه‌های با داشتن اعضای بیشتر، بازیافت‌های اجتماعی وسیع‌تری (نسبت به گروه‌های کوچکتر و کم‌جمعیت‌تر) را در بردارند و این تا حدودی درست است. بنابر این روند وجود نوعی اعتماد ضمنی را هم به اثبات می‌رساند. گاهی نفوذ اجتماعی برخی انجمن‌ها و تشکل‌های کم‌جمعیت نیز قابل توجه است. از دید اقتصادی، وجود سرمایه اجتماعی را با توجه به کارایی اقتصادی مورد آزمون قرار می‌دهند. در این مقاله هدف آن است که وجود و کارکرد سرمایه اجتماعی و تولید و بازتولید آن را در پرتو شخصیت، اندیشه و مدیریت حضرت محمد ﷺ مورد بررسی قرار گیرد. در بخش دوم، محورهای کلیدی، خصایص اساسی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی مرور می‌شود و در بخش‌های سوم و چهارم عناصر کارساز اندیشه و مدیریت پیامبر در تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی اشاره خواهد شد.

محورهای کلیدی، خصایص اساسی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

در این قسمت سعی می‌شود به مهمترین محورهای سرمایه اجتماعی، خصایص اصلی و سنجش‌ها و شاخص‌های آن پرداخته شود. شاید بتوان محورها و خصایص سرمایه اجتماعی را به‌صورت ذیل برشمرد: ۱. اعتماد و همکاری متقابل؛ ۲. پویایی و پایان‌ناپذیری ۳. دارای ماهیت حل مسأله‌ای؛ ۴. ارزش‌مداری و کارآمدی؛ ۵. چارچوب فراعبدی. در مورد محور اخیر باید اشاره کرد که سرمایه اجتماعی در جهت ابعاد چندگانه ذیل قابلیت تولید و تأثیرگذاری دارد. یکم در سطح‌های رسمی و غیررسمی. دوم در پهنه ملی و بین‌المللی. سوم در قالب خرد و کلان. چهارم در چارچوب خصوصی و دولتی و سرانجام پنجم در سطوح سازمانی و حقوقی. همچنین برای اندازه‌گیری قابل قبول سرمایه اجتماعی از

شاخص‌هایی استفاده می‌شود که مهمترین آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد: ۱. میزان حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی؛ ۲. میزان التزام عملی مردم به رعایت مقررات رسمی؛ ۳. کاهش جرایم؛ ۴. تغییر در میزان افسردگی و ناملایمات روحی - روانی؛ ۵. تغییر در ضریب امنیت اجتماعی و دیگر عرصه‌های تثبیت‌گر سازمان‌های اجرایی. لذا کاهش انواع بیماری‌های روانی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و حتی در موارد پیشرفته‌تر افزایش رشد اقتصادی در این رابطه مطرح است. با وجودی که سرمایه اجتماعی مقوله‌ای فرارشته‌ای و بین‌رشته‌ای است، در عین حال وجود آن حداقل همانند دیگر سرمایه‌های اقتصادی پیامد مولد دارد. به عبارت دیگر این سرمایه هم جایگاه اقتصادی دارد و هم خاستگاه اقتصادی. این عنصر با نهادهای گوناگون از رشته‌های گوناگون مرتبط است، با کار دسته‌جمعی پیوند اساسی دارد و از راه ظرفیت پدیدآوردن همکاری یا عدم همکاری با نظریه‌بازی‌ها مرتبط است. سرمایه اجتماعی، به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد از ادبیات قابل‌توجهی برخوردار شده و ابزارهایی برای آزمون و سنجش کارکرد آن فراهم شده است. برخی از صاحب‌نظران و اقتصاددانان روی سنجش این مقوله و کمی‌ساختن آن حساس هستند، به‌گونه‌ای که عدم امکان کمی‌سازی آن را نقطه ضعف اساسی آن قلمداد می‌کنند* (Arrow, 2000, Solow 2000). هنگام تعریف و طراحی شاخص‌ها باید توجه شود که سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، نهادها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر رفتارهای فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد (Grootaert, 2002).

سرمایه اجتماعی هم در سطوح انفرادی و خرد کارساز است و هم در سطوح میانی و کلان. در سطوح خرد و انفرادی، مواردی از خانوارها و محافل دوستانه را پوشش می‌دهد و هم در میان گروه‌های اجتماعی و سیاسی می‌تواند شکل گیرد. اثرگذاری سرمایه اجتماعی در سطوح میانی، به ساختارهای اجتماعی و روابط درون‌سازمان‌ها و تشکلهای و انجمن‌ها مربوط می‌شود و سرانجام کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح کلان با محیط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه و نهادهای فراگیر مربوط به آن همراه است. این سطح بیشتر جنبه رسمی پیدا می‌کند و تا حدودی با سطوح میانی و انفرادی که به‌طور عمده غیررسمی است

* اقتصاددانان معروفی چون «سولو» و «ارو» آن‌چنان در مورد سنجش سرمایه اجتماعی حساس هستند که کاربرد اصطلاح سرمایه را در مورد آن منوط به آزمون کمی آن می‌دانند.

تفاوت دارد. خصلت‌های اساسی سرمایه اجتماعی به‌گونه‌ای است که در صورت درگیر شدن افراد در فرایند سرمایه اجتماعی آن‌ها می‌توانند افزون بر کسب منافع انفرادی به گسترش یک سری منافع و محصول‌های دسته‌جمعی نیز اقدام کنند.* برخی مطالعات تجربی تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی را حتی بر رشد اقتصادی نشان داده‌اند، و برخی دیگر کاهش فساد اداری، بهبود و اصلاح کارکرد قوای سه‌گانه حکومتی، افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی و امثال آن را به‌صورت علامت حضور سرمایه اجتماعی نشان داده‌اند (Glasser, 2000). سرانجام تأکید بر این مطلب ضروری است که سرمایه اجتماعی برخلاف سرمایه فیزیکی نه‌تنها پایان‌پذیر نیست بلکه به‌صورتی دینامیکی در حال رشد و گسترش. این یک تفاوت اساسی بین انواع سرمایه غیراجتماعی (سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، سرمایه واسطه‌ای کالایی و امثال آن)، از یک طرف و سرمایه اجتماعی از سوی دیگر است، چون مسأله کمیابی در سرمایه فیزیکی و دیگر سرمایه‌های غیراجتماعی با کمیابی در سرمایه اجتماعی متفاوت است.

سرمایه اجتماعی از یک طرف می‌تواند به‌طور بالقوه به اصلاح نهادها اقدام کند، زیرا پشتوانه هنجاری و ارزشی دارد. از سوی دیگر می‌تواند زمینه همکاری بین کارگزاران را فراهم کند و در مرحله سوم می‌تواند از راه انتقال اطلاعات زمینه رشد و بهره‌وری را تقویت کند. از راه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی است که انواع معماهای زندانی و مشابه آن در جامعه قابل حل خواهند بود. به همین خاطر است که بین سرمایه اجتماعی و نظریه‌بازی‌ها ارتباط اساسی برقرار می‌شود. به‌طور مثال تحقق یک شیوه حل و فصل بهینه معمای زندانی، منوط به پدیدآوردن اعتماد بین دو طرف بازی و اطمینان از صداقت و شفافیت آن‌ها است. در مطالعات بخش عمومی توجه به اعتماد و صداقت یکی از ضامن‌های اصلی گسترش کارآمدی در روابط بین بخش خصوصی و بازار از یک سو و دولت از سوی دیگر است (دادگر، ۱۳۸۶). یعنی پدیدآوردن و حفظ عنصر سرمایه اجتماعی می‌تواند در کارآمدسازی هر چه بیشتر ارتباط دولت و بازار مؤثر باشد. به‌عبارت دیگر با توجه ناکامی‌های پارادایم ارتدکسی و رادیکالی دولت‌های لسفیری (نئولیبرالیسم) و

* اشاره برخی صاحب‌نظران در مورد شرکت دسته‌جمعی در بازی بولینگ به فلسفه وجودی این موضوع اشاره دارد (Putnam, 1995). لذت انفرادی حاصل از انجام دسته‌جمعی این بازی بسیار فراگیر گزارش می‌شود. این هم پیام دیگری بر اهمیت همکاری و ظهور سرمایه اجتماعی است.

دولت‌های تمامیت‌خواه (سوسیالیسم)، در حال حاضر ترکیب بهینه دولت و بازار به صورت یک سازمان‌دهی کارساز مورد توجه جدی صاحب‌نظران است و سرمایه اجتماعی به صورت پشتوانه کارآمدساز این موضوع در شکل‌گیری اعتمادسازی و گزینش استراتژی همکارانه نقش اساسی دارد (Binmore, 1992).

افزون بر نظریه معمای زندانی، نظریه بازی هماهنگی نیز می‌تواند در توصیف و درک سرمایه اجتماعی و آزمون آن، محققان و دیگر علاقه‌مندان نظریه‌بازی‌ها را یاری کند. در بازی هماهنگی موضوع همانند دولت و بازار نیست که در مواردی تعارض منافع بین آن‌ها موجود باشد، بلکه از آغاز زمینه گفت‌وگو و حتی تدوین قرارداد وجود دارد. بنابراین وجود صداقت و شفافیت و توجه به حفظ حقوق و قراردادهای نقش کلیدی دارند که در قالب سرمایه اجتماعی مطرح هستند. هر چه تعداد بیشتری از مردم در تعامل با هم قرار گیرند و به شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکل‌ها اقدام، به‌طور بالقوه امکان همکاری بین آن‌ها بیشتر خواهد شد و حقوق یکدیگر را بیشتر رعایت می‌کنند و این امر به تولید منافع اجتماعی بیشتر می‌انجامد. (Knowles, 2006).

اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و آزمون تأثیرگذاری آن بر دیگر متغیرها و شاخص‌ها از عناصر اصلی در این موضوع است. بدیهی است با توجه به این‌که ابعاد فراوانی از سرمایه اجتماعی ماهیت کیفی دارند، ارائه تصویر کمی آن ساده به‌نظر نمی‌رسد. برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی جنبه انفرادی دارد، بخش دیگر ماهیت دسته‌جمعی دارد، برخی به سازمان‌ها، دستگاه‌ها و شبکه‌ها مربوط می‌شود، ولی بخشی به گرایش‌ها و عقاید و ارزش‌ها. برخی به اطلاعات و روحیه تعامل افراد و گروه‌ها مربوط است و برخی به قدرت پدیدآوردن ارتباط و مدیریت سازمانی. لذا با وجودی که شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی تعریف و صورت‌بندی شده، اما نباید انتظار داشت که آن‌ها بتوانند آینه تمام‌نمایی از این نهاد اساسی شمرده شوند. برخی مطالعه‌های میزان سرمایه اجتماعی را از راه حضور و مشارکت مردم در امور اقتصادی و سیاسی، عضویت در تشکل‌های مدنی و ثبات و استحکام خانواده از لحاظ اجتماعی برآورد می‌کنند. به‌طور مثال حضور حداکثری مردم در انتخابات را نوعی بروز سرمایه اجتماعی می‌شمارند. گروهی توجه به مقررات دولتی از سوی مردم را نمادی از اعتماد مردم درباره دولت قلمداد می‌کنند و برخی از

مطالعات کمبود جرم، بالارفتن ضریب امنیت، کاهش افسردگی‌های روحی، کاهش بیماران روانی و کاهش انواع خودکشی‌ها را در این جهت مطرح می‌کنند (Narayan, 2001).

برخی از مطالعات بصورت سلبی عمل کرده، فقدان سرمایه اجتماعی را برآورد کمی می‌کنند. به نظر این‌ها بالارفتن جرم و جنایات، فروپاشی خانواده‌ها، گسترش مصرف مواد مخدر، وجود حجم سنگین شکایت‌ها، خودکشی‌ها، افسردگی‌ها و امثال آن حکایت از نبود سرمایه اجتماعی دارد (فوکو یاما، ۱۳۷۷). برخی با مطالعه روابط افراد با همسایه‌ها، مشارکت در اجتماعات محلی و منطقه‌ای، توضیح افراد در مورد ارزش زندگی، چگونگی روابط شغلی و امثال آن به سنجش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. برخی دیگر تأثیر کیفیت نظام آموزشی، وجود NGOها و حضور مردم در تشکلهای غیررسمی و گسترش یا عدم گسترش شبکه‌های ارتباطی را نمادی از سرمایه اجتماعی می‌دانند و گروهی دیگر توجه دولت به خواسته‌های مردم، میزان و نوع شبکه‌های خدمات عمومی، میزان و چگونگی قوانین، کیفیت بهداشت و آموزش عمومی و بازیافت نظر مردم در مورد عملکرد دولت را شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی می‌دانند (Putnam, 1995). بدیهی است تعدادی از این مطالعات سرانجام به یک سری عناصر به نسبت مشاهده‌پذیر تقلیل می‌روند که با عناصر کمی قابل انطباق هستند. به طور مثال تعداد اعضای یک تشکل مردمی، میزان مشارکت افراد در حمایت مالی درباره دیگران، تحمل افراد درباره انتقادات دیگران، انجام کار داوطلبانه و یا اجباری، اعتماد به اعضای خانواده، احترام متقابل اعضای یک تشکل اجتماعی، اعتماد به پلیس، دولت، کادر اداری و امثال آن‌ها از این نمونه هستند (شارع پور، ۱۳۸۲، Stone, 2002).

بنابراین ابعاد سرمایه اجتماعی و محورهای اساسی آن را می‌توان به زمینه‌ها و عوامل ایجادگر آن از یک طرف و پیامدهای آن سوی دیگر متصل کرد. زمینه‌ها و عوامل ایجادگر می‌تواند شامل چگونگی انواع نهادها، عقاید، ارزش‌ها، خصوصیات شخصیتی افراد، وضع سواد و آموزش و سلامت جسمی و روانی، فراهم شدن شغل و فضای زیست‌محیطی و امنیت عمومی، خاستگاه جغرافیایی، روحیات فردگرایانه و جمع‌گرایانه، خصوصیات خانوادگی، ارتباطات رسمی و غیررسمی و امثال آن باشند. پیامدهای شکل‌گیری و اعمال سرمایه اجتماعی شامل انواع تولیدات و یافته‌های رفاهی فردی و اجتماعی، کاهش دغدغه‌ها و جرائم و ناملایمت‌های اجتماعی، حصول به توزیع عادلانه درآمدها و ثروت‌ها،

فراهم‌شدن فضای تعامل منطقی و گفتمان آزاد و آرام، حصول به نوعی آرامش روحی، جسمی و روانی در بلندمدت، ترسیم دورنمای پیش‌برنده و آگاهی‌بخش، رسیدن به یک نظام اقتصادی متعادل و رو به رشد که از عناصر استاندارد برخوردار است، نایل‌شدن به حداقل رفاه برای همه و سرانجام یافتن فرصت کافی جهت پرداختن به امور معنوی و انبساط روحی است. در بخش‌های بعدی با توجه به یافته‌های بخش‌های اول و دوم و با مراجعه به تاریخ صدر اسلام، به وصفی از بازتولید و حفظ سرمایه اجتماعی با توجه به اندیشه و کارکرد رسول اکرم ﷺ اقدام می‌کنیم.

پیوند اندیشه و کارکرد رسول مکرّم ﷺ با سرمایه اجتماعی

در این قسمت و قسمت بعدی با کمک خصایص و شاخص‌های معرفی‌شده در قسمت پیشین به نوعی تحلیل و در مواردی تطبیق رفتار و سیره نبی اکرم ﷺ پرداخته می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد تحلیل رفتار و سیره پیامبر و در مواردی تطبیق آن با محورها و خصایص پنجم‌گانه سرمایه اجتماعی (اعتماد، پویایی، حل و فصل مسأله، ارزش‌مداری و کارآمدی و چارچوب‌های فزاینده) بسیار سر راست خواهد بود. از سوی دیگر بازتولید این سرمایه در صدر اسلام، با معیارها و شاخص‌های پنج‌گانه سرمایه اجتماعی (افزایش حضور مردم در عرصه‌های گوناگون، میزان التزام به رعایت مقررات، کاهش جرایم، کاهش میزان ناملایمات روحی - روانی و افزایش ضریب امنیت اجتماعی) همراهی قابل‌توجهی دارد. همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین تصریح شد، شکل‌گیری اعتماد، صداقت، توجه به نهادهای کارساز چون حفظ حقوق، توجه به قراردادهای و وجدان‌کاری، مشارکت و پدیدآوردن ارتباط معقول با دیگران، مسؤولیت‌پذیری، مسؤولیت‌شناسی، زمینه‌سازی برای گسترش امنیت و عدالت، احترام متقابل و تلاش برای انجام کار مولد، از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی شمرده می‌شوند.

این‌ها (همان‌طور که برخی بنیان‌گذاران سرمایه اجتماعی نیز تصریح می‌کنند) به نوعی پیوند عملی بین اخلاق و اقتصاد نیز قابل‌تحویل هستند (Sen, 2005). در آن صورت می‌توان مصادیق فراوانی از اندیشه‌ها و رفتارهای پیامبر اعظم ﷺ را در جهت شکل‌گیری

این امور در جامعه قلمداد کرد. ما در این مقاله ادعا می‌کنیم که اغلب مصادیق اندیشه‌ای، شخصیتی، رفتاری و اقتصادی پیامبر در بازتولید سرمایه اجتماعی نقش دارد و شاید نتوان بین آن‌ها و جوانب گوناگون سرمایه اجتماعی خط‌کشی قاطع به عمل آورد. بدیهی است مواردی از اندیشه و رفتار پیامبر به‌طور مستقیم ارتباط با سرمایه اجتماعی دارد و ابعاد دیگر بازخوردی دارد که غیرمستقیم به تولید سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. به‌طور مثال پیامبر و پیروان وی در پاسخ به پرسش‌های مردم و یا در هنگام خواندن خطبه نماز و یا هنگام سرکشی به امور کسب و کار و بازار و در هر زمان که زمینه گفتگو فراهم می‌شد، کار مولد (مانند تولید کشاورزی) را تشویق می‌کردند و فعالیت‌های دلالی صرف را مذموم می‌دانستند و حفظ اموال به‌صورت راکد را بدترین نوع تصمیم‌گیری در زندگی می‌دانستند (عاملی، ۱۴۰۳ ق: ص ۴۶). همراهی و همکاری پیامبر با مردم و پدیدآوردن امید و دلگرمی در آنان خود زمینه تولید نوعی اعتماد متقابل بین وی و مردم شمرده می‌شد. جالب توجه است که وی کاری را که از دیگران تقاضا می‌کرد، خود نیز به آن اقدام می‌کرد (همان: ص ۶).

توجه به شکل‌گیری قراردادها و حفظ قراردادها و ممنوعیت کاربرد هر نوع حيله در مبادلات و معاملات از دیگر خصلت‌های پیامبر و از زمینه‌های بازتولید سرمایه اجتماعی است. او اساساً فعالیت مضاربه را در اولین روزهای شکل‌گیری حکومت خود برای استحکام نوعی پیمان اقتصادی بین مردم مدینه وضع کرد. مبارزه با نهادینه‌شدن مفاسد اقتصادی* و تلاش برای نهادینه‌شدن زمینه‌های بالندگی اقتصادی از دیگر عناصر بازتولید سرمایه اجتماعی در صدر اسلام است. تحریم ربا، تحریم کنز، تحریم رشوه، محکومیت دروغ و قسم در انجام معامله و تبلیغ غیرواقعی از کالا در معاملات، تحریم اسراف و تبذیر، تشویق به کاهش مصرف، مبارزه با تلقی رکیبان، حفظ و پدیدآوردن قراردادهای صلح (حتی با کفار حربی)، تشویق فعالیت‌های وقف و زکات و انفاق و نوع دوستی، تشویق به کار

* نهادینه‌شدن در واقع تثبیت امور موردنظر در اندیشه‌ها، باورها و رفتارها است. لذا هم می‌توان از نهادینه‌شدن امور مثبت (صداقت، قانون‌پذیری، وجدان کار، مسئولیت‌پذیری، صفا، اعتماد، احترام متقابل و امثال آن) سخن راند و هم بحث از نهادینه‌شدن امور منفی (دروغ‌پردازی در معامله، نفاق در رفتار، تثبیت رشوه‌خواری و رابطه‌بازی، روحیه رانت‌جویی، کم‌کاری و مانند آن) به میان آورد. در جوامعی که زمینه بازتولید سرمایه اجتماعی ضعیف است، بیشتر امور منفی نهادینه می‌شوند.

گروهی، تلاش برای مشارکت دادن بخش خصوصی و بازاری‌ها در اداره بازار و عدم دخالت غیراصولی در سازوکارهای طبیعی بازار (مرتضی، ۱۹۸۰) و موارد مشابه دیگر از مصادیق زمینه‌ساز سرمایه اجتماعی در عصر پیامبر است.

برخی فعالیت‌های پیامبر در ظاهر عادی به نظر می‌رسد ولی پیامدهای آن نوعی اعتمادسازی برای اهل کسب و کار است. به‌طور مثال اخذ عوارض و اجاره از محل بازار، نوعی رسم تثبیت‌شده پیش از صدارت پیامبر می‌باشد (جوادعلی، ۱۳۶۷)، اما پیامبر و جانشینان وی، دستور معاف‌شدن اهل کسب و کار از هزینه مربوطه را صادر کردند. این امر از یک طرف نوعی زمینه‌سازی برای تضمین شغلی اهل کسب و کار است و باعث تشویق بازاریان به کار بیشتر می‌شود و از سوی دیگر با توجه به عدم انتقال فشار (ناشی از بالا رفتن هزینه اجاره) از طرف فروشندگان به مشتریان، به نوعی ثبات در بازار نیز کمک می‌کند (مشهور، ۱۹۹۱؛ صدر، ۱۳۷۴). در نتیجه رضایت بنگاه بیشتر می‌شود و رفاه خانوارها و مصرف‌کننده‌ها، این عوامل خود در عین حال شاخص‌های کارآمدی یک نظام را می‌رساند.

حذف ربا از لحاظ اقتصادی هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و نوعی امنیت در فعالیت‌های اجتماعی و حتی انفرادی پدید می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۷۲: جامعه مدرسین، ۱۳۸۱). رفتارهای پیامبر و دستورالعمل‌های وی، کانال‌های بازتولید سرمایه اجتماعی هستند. حذف تلقی رقبان از سوی پیامبر، حرمت حمی، رفتار مسالمت‌آمیز با اهل بازار و دستور به مدارا با بازرگانان خارجی و پرداخت تمامی هزینه‌های تحمیل‌شده (به‌شکل غیرقانونی) و احیاناً غرامت‌های آن‌ها، تقبیح تنبلی و سربرار شدن بر دیگران و تشویق به کار شرافتمندانه و عبادت تلقی کردن کوشش برای امرار معاش،* جا انداختن و نهادینه‌ساختن پرداخت حقوق کارگر پیش از اتمام کار، حتی بوسیدن دست کارگر به وسیله خود پیامبر (آیتی، ۱۳۶۶؛ هدایتی‌زاده، ۱۳۷۷)، تأکید و تکرار آموزه‌های پیامبر و آیات قرآن در جهت همکاری اهل کسب و کار و گناه‌شمردن بدگمانی و سوء نیت درباره یکدیگر،** ارتباط دادن رضایت اخروی خداوند به کوشش

* من کاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل‌الله.

** یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظنّ انّ بعض الظنّ اثمّ (حجرات ۴۹، ۱۲).

مولد در دنیا،* فسادآور دانستن بیکاری،** از دیگر اموری است که امواج سرمایه اجتماعی را می‌گسترانید. پیش از پیامبر، به دلیل ناامنی و یا سیطره اخلاق جاهلی، فعالیت کشاورزی، پست شمرده می‌شد. پیامبر زمینه ارزشمندسازی فعالیت کشاورزی و دیگر انواع کار را فراهم کرد. زیرا وی کار را در جایگاه عامل تصاحب اموال و شرط به‌دست آوردن حق استفاده از منابع طبیعی قرار داد. جالب است که در عصر پیامبر و براساس یک قاعده عام هر کسی می‌توانست با انجام کار مفید، منطقه‌ای را آباد کند صاحب اختیار آن می‌شد (من احیی ارضاً فهی له). بدیهی است این در زمانی بود که زمین زیاد و جمعیت کم بود (و در وضعیتی همانند امروز که جمعیت زیاد و زمین کمیاب است قاعده مربوطه از راه اجتهاد تعدیل شده و با وضعیت امروز سازگار می‌شود). اصولاً اجتهاد یک نقش پویاسازی نظریه‌های اقتصاد دینی را به عهده دارد و این امر نیز سازگاری آموزه‌های دینی و سیره پیامبر را با سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد. در شریعت اسلامی دو دسته قواعد خارجی و حقیقه قابل تمییز هستند. قاعده خارجی برای وضعیت خاصی طراحی شده و در همه اوضاع و احوال کارایی ندارد. به‌طور مثال قاعده تملک به خاطر احیای اراضی از این نمونه است. اما قواعد حقیقه در همه زمان‌ها و مکان‌ها قابل کاربرد هستند.

صداقت، شفافیت و دیگر خصلت‌های سرمایه‌ساز عصر پیامبر ﷺ

همان‌گونه که در قسمت‌های اولیه اشاره شد، با وجود فراگیری مفهوم و ارتباطات سرمایه اجتماعی و با عنایت به پیوند داشتن ابعاد فراوان زندگی اجتماعی با این مقوله، در عین حال چند محور یا چند خصلت از آن، جنبه بسیار ویژه دارند. صداقت و شفافیت در اندیشه، بیان و عمل، کوشش برای پدیدآوردن اعتماد متقابل، تشویق کردن روحیه همگرایی و همکاری و احترام متقابل از این نوع شمرده می‌شوند. در این قسمت نشان داده می‌شود

* من طلب الرزق فی الدنيا استغافاً من الناس و توسیعاً علی اهلہ لقی الله یوم القیامه و وجهه مثل القمر (کلینی، ۱۳۵۰: ج ۵، ص ۷۷).

** ... کان الناس یبصرون بالفراغ الی غایة الشر و البطر حتی یکنتر الفساد و ... و لبلغ ربه کذلک الی ان یتعاطی اموراً فیها تلف نفسه (مجلسی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۸۶).

که این عناصر در ساختار و مرکزیت مکتب، تفکر و کارکرد پیامبر اسلام ﷺ قرار دارند. اخلاق پسندیده و کارآفرین (به‌ویژه از سوی مدیران ارشد)، از دیگر عوامل بازتولید سرمایه اجتماعی است که از خصلت‌های مشهور پیامبر می‌باشد. روح حاکم بر سرمایه اجتماعی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها انطباق دارد که بر روند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه موثر هستند، اعتماد، تعهد درباره قراردادها، وجدان کاری و احساس تعلق به جامعه از این نمونه است.

مطالعات نشان می‌دهد که محورهای پیش‌گفته فقط بر روند تثبیت اقتصادی اثرگذار نبوده، بلکه می‌توانند به پایداری اجتماعی، انسجام فرهنگی و نظم عمومی نیز جهت بدهند (فوکویاما، ۱۳۷۷). در ضمن سرمایه اجتماعی می‌تواند هم خوب باشد و هم بد، اما در این مقاله بطور عمده تولید سرمایه اجتماعی خوب را در نظر داریم. عدم توجه به عناصر پیش‌گفته و یا بازتولید سرمایه اجتماعی بد و منفی می‌تواند به زوال فرهنگی، سیر قهقرایی و نابودی نظام اجتماعی و نابسامانی اقتصادی بینجامد. وجدان کاری و علاقه به کار گروهی و حفظ منافع اجتماعی در ژاپن (و اخیراً کره و چین)، روح تحمل دشواری‌ها در هندوستان، اعتماد نسبی مردمان اسکاندیناوی به دولتمردان خود و همراهی اقشار عظیمی از جوامع عراق و لبنان با رهبران دینی و ملی خود، حاکی از تولید اعتماد بین مردم و مدیران ارشد و صداقت و وجدان کاری رهبران آن دیار و البته تبعیت رهبران از عقاید و اخلاق و التزام عملی آن‌ها به مکتب اخلاق‌مدار دینی است. بسیاری از دشواری‌های جوامع توسعه‌نیافته به عدم اعتماد بین مردم و مسئولان آن و عدم راستگویی و شفافیت رهبران و مدیران ارشد ارتباط دارد. چون اعتماد مردم به رهبران خود ناشی از راستگویی، درستکاری، پای‌بندی به تعهدات رهبران و مدیران ارشد می‌باشد. اصولاً صداقت، راست‌اندیشی و راستگویی از بالاترین صفات انسانی است و به همین خاطر خصلت اساسی پیامبران است و به همین دلیل انسان‌های با صداقت، هم‌تراز پیامبران دانسته شده است. * قرآن در جایی تصریح می‌کند که یکی از خصلت‌های پیامبران همان

* فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ (نساء، ۴)، (۶۹).

راست‌اندیشی و راست‌گویی است و پیامبر شدن برخی از انسان‌ها را به‌خاطر صداقت‌اندیشی و صداقت‌پیشگی آنان تفسیر می‌کند.* همچنین در روایت‌ها تصریح شده که خداوند پیامبران را فقط به‌خاطر صداقت و امانت‌داری برگزیده است. جالب توجه است که رعایت امانت‌داری هم درباره صالحان مطرح است و هم درباره مفسدان.** در جایی دیگر به شاخص بودن صداقت و امانت‌داری تصریح شده و از توجه به ظواهر عبادی به‌عنوان شاخص صلاحیت افراد پرهیز داده شده است. به عبارت دیگر گویی روح اخلاقی را گوهر دین دانسته و پردازش به ظواهر را به‌صورت ملاک، مردود دانسته شده است.***

پیامبر اسلام آنچنان به راست‌گویی مشهور بوده‌اند که حتی پیش از پیامبر شدن در میان مردم لقب امین یافته‌اند (طبری، ۱۹۶۳) و جالب توجه است که صداقت و راست‌گویی و درست‌کاری پیامبر یک عامل مهم در مسلمان شدن بسیاری از مردم گزارش شده است (عبدالملک، ۱۹۷۵). رفتار صادقانه پیامبر در بسیاری از موارد باعث حل و فصل دشواری‌های اساسی در جامعه شده است. برجستگی این موضوع در حل و فصل دشواری‌های جنگ بدر، حنین و خندق آشکار می‌باشد (واقدی، ۱۳۶۹). حفظ قراردادهای و حفاظت از قول و قرارها و مسئولیت‌پذیری در قبال اجتماع از دیگر عناصر کارساز در بازتولید سرمایه اجتماعی است (Knowles, 2006). این عناصر نیز در رفتار انفرادی و شیوه‌های مدیریتی پیامبر بسیار آشکار بوده است. البته توجه به استحکام قراردادهای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و استواری بر سر پیمان‌ها از دیگر عناصر محوری اسلام شمرده می‌شوند. قرآن به‌صورت یک دستورالعمل صریح، عمومی و شفاف تصریح می‌کند که: بر قراردادهای و پیمان‌های خود استوار باشید.**** و در جایی دیگر تأکید می‌کند که بر عهد وفای خود پای‌بند باشید، زیرا باید در مورد آن پاسخگو باشید.*****

اخلاق سرمایه‌ساز و جمع‌بندی پایانی

در این قسمت پایانی ضمن تأکید بر ابعادی از رفتار اخلاق‌مدار پیامبر، به نقش آن‌ها در

* وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (مریم (۱۹)، ۵۴).

** ان الله عزوجل لم يبعث نبياً الا بصدق الحديث و اداء الامانة الى البر و الفاجر (کلینی، ۱۳۶۳).

*** لا تنظروا الى طول ركوع و سجوده ... و لكن انظروا الى صدق حديثه و اداء امانته.

**** اوفوا بالعقود.

***** وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء (۱۷)، ۳۷).

بازتولید و حفاظت از سرمایه اجتماعی تأکید می‌شود. به عبارت دیگر این واپسین قسمتی است که معیارها، خصایص و در مواردی شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر اندیشه و کارکرد رسول مکرم تطبیق داده شده و یا ارتباط آن‌ها با هم تحلیل می‌شود. تثبیت نهادهای اخلاق عملی در عصر پیامبر یک حرکت کارساز در نگهداری و پدیدآمدن سرمایه‌های اجتماعی است. تشویق آحاد مردم به همکاری با یکدیگر، بر پایداری و تبلیغ اخوت،* نوع دوستی، ایثار و درستکاری از سیره پیامبر اسلام شمرده می‌شود. برقراری صلح و صفا و اصلاح مشی قرآن و اسلام و پیامبر است و پدیدآمدن صلح و صفا، هم‌تراز تقوا است.** وقتی قرآن رسماً پیامبر اسلام را به صورت اسوه انسان‌ها معرفی می‌کند*** باید پدیده‌ای علامت‌دهنده در شکل‌گیری یک زندگی سالم اجتماعی قلمداد شود زیرا توجه به آن و اطاعت عملی از مفاد اسوه پیش‌گفته، تولیدگر سرمایه اجتماعی است. به قول برخی از صاحب‌نظران این اسوه (پیامبر) نعمت بزرگی است که در اختیار بشریت است (مطهری، ۱۳۶۷). رهبران صدر اسلام از جمله خصلت‌هایی که برای اهل کسب و کار در بازار و تجارت و تولید مورد تأکید قرار می‌دادند، ممنوعیت دروغ‌گویی بود. رفتار پیامبر و دیگر رهبران صدر اسلام این را می‌رساند که گویی دروغ در اسلام ضمن آن‌که مجازات شرعی دارد، آثار وضعی اجتماعی نیز دارد.**** حتی عناصری مانند حیله و گول‌زدن دیگران و ارائه اطلاعات غلط در معاملات و مبادلات از نظر پیامبر ممنوع بود. این موضوع گاهی در کلام پیامبر صراحت داشته و زمانی در رفتار وی منعکس می‌شود و مواردی هم از تقریر مربوطه قابل درک بوده است. ارائه اطلاعات غلط در مورد کالا جرم اهل کسب و کار شمرده می‌شد و پیامبر افزون بر توصیه بر ترک آن، در مواردی عملاً با این موضوع مخالفت ورزیده است.

* انما المؤمنون اخوه.

** فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم (انفال (۸)، ۱).

*** لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب (۳۳)، ۲۱).

**** بازاری متعهد و اهل کسب و کار در صدر اسلام باید از دروغ در معامله، پرهیز می‌کرد، از ربا دوری می‌جوئید، به رشوه آلوده نمی‌شد، از تبلیغ غیرواقعی در مورد کالای خود صرف‌نظر می‌کرد و در هنگام معامله قسم نمی‌خورد (مرتضی، ۱۹۸۵).

چنان فضایی در بازار صدر اسلام حاکم بود که خود بازاری‌ها افراد ناشایسته را از بازار اخراج می‌کردند. رباخواری و دروغ در معامله از مصداق‌های مجازات سنگین شمرده می‌شد که گاهی به اخراج بازاری از بازار می‌انجامید (انصاری، ۱۴۱۸ق). کاربرد هر نوع حيله (و یا هر نوع توجیه برای انجام حيله) از سوی وی ممنوع اعلام شده است. قابل توجه است که پیامبر هنگام ملاحظه یک فرد که حیوانی را فریب داد تا آن را رام کند، خطاب به آن شخص تصریح کرد که: هیچ‌گاه حیوانات را هم گول نزنید. داستان از این قرار بود که شخصی در نظر داشت حیوانی را به سوی خود بکشد، کامیاب نشد، دامن خود را به گونه‌ای نشان داد که در آن علف است، حیوان به طمع غذا و علف بسوی او آمد. ارائه اطلاعات غیرواقعی در مورد کالای مورد معامله از نظر شریعت اسلامی ممنوع است و تبلیغ در مورد یک محصول به صورتی که خریدار آن، تصمیم نادرست اتخاذ کند نهی شده است (انصاری، ۱۴۱۸ق) این موضوع تحت عنوان معامله غری در ادبیات فقهی مشهور است.

برخورد مسالمت‌آمیز و شرح صدر پیامبر همواره زبان‌زد عام و خاص بوده است. تصریح خود پیامبر در این‌که: رسالت او انحصاراً جهت برپایی مکارم اخلاق است (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق)، بسیار هشداردهنده است. جالب توجه است که خداوند نیز تصریح کرده که به پیامبر اسلام شرح صدر عطا فرموده است (الم نشرح لک صدرک). البته پیامبران دیگر از خداوند تقاضای اعطای شرح صدر کرده‌اند (رب اشرح لی صدري) ولی به پیامبر اسلام شرح صدر داده شده است. برخی صاحب‌نظران تصریح می‌کنند که شرح صدر نوعی ظرفیت روحی بسیار وسیع و قدرت تحمل فوق‌العاده فراوان است و این نشان می‌دهد که مدیریت پیامبر امری عظیم است و رسالت او سنگین. حتی برخی بیان قرآن در مورد القاء سخن سنگین را هم در این جهت تفسیر می‌کند (مطهری، ۱۹۶۷م: ص ۱۸۳).*

جالب توجه است که خصلت‌های پیامبر از دید قرآن و دستورالعمل‌های مربوطه ماهیتی اعتمادساز و اخلاقی دارند و این باعث جذب دیگر انسان‌ها و پدیدآوردن زمینه اعتماد متقابل و اطاعت مردم از رهبران و دولت‌مردان می‌شود. خداوند به پیامبر اسلام خطاب

* انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً.

می‌کند که: از راه منطق، حکمت و اخلاق نیکو به ترویج اندیشه و کارکردهای دینی مبادرت کند. * همچنین تصریح شده که ای پیامبر ما ترا نویدبخش و در عین حال هشداردهنده درباره ملت قرار داده‌ایم. **

جالب توجه است که پیامبر نه تنها خود عامل به اخلاق حسنه بود، مأموران، مدیران، فرمانداران و سفیران خود را هم با توجه به شاخص‌های اخلاق حسنه گزینش می‌کرد و دستورالعمل‌های صادر شده درباره آنان مملو از ظرافت‌های اخلاقی می‌باشد. به‌طور مثال خطاب به یکی از سفیران خود که برای ارسال پیام به یمن رفته بود تصریح می‌کند که: در برخورد با مردم رسالت تو تشویق و بشارت و ترغیب است و کاری نکن که مردم از تو فرار کنند. امور را آسان نما و بر مردم سخت نگیر. ***

پیامبر در خطاب به یکی از دیگر همکارانش در برخورد با مردم تصریح می‌کند که: دین پدیده‌ای با متانت و مدارا است و لذا با مردم با شیوه مدارا رفتار کن و این برای رسیدن به هدف موردنظر ضروری است. ****

شاید به این دلیل است که خود پیامبر هم تصریح می‌کند که شریعتی که من برای آن برگزیده شده‌ام بر سهولت و تسامح استوار است. ***** تصریح قرآن نیز مبنی بر این که: خداوند برای شما سهولت رفاه را خواهان است و سختی و تکلف را خیر. *****

فرمایش قرآن از همین مقوله می‌باشد. البته در وضعیت خاص دستورالعمل‌های خود پیامبر و دیگر مسؤولان شریعت، قاطع و کوبنده است ولی آن هم روح اخلاقی دارد. زیرا زمانی که باید ریشه ظلم و شر و ناامنی و تجاوز از جامعه‌کننده شود، نیاز به قاطعیت است و آن آخرین محور تربیت می‌باشد که در صورت بی‌اثر بودن رفتارهای مسالمت‌آمیز به کار می‌رود.

بدیهی است که خداوند سفیرانی را برای هدایت انسان‌ها و جوامع مأمور می‌کند که

* ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (نحل (۱۶)، (۱۲۵).

** يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (احزاب (۳۳)، (۴۵).

*** بَشِّرْ وَلَا تَنْفَرْ، يَسِّرْ وَلَا تَعْسِرْ (ابن‌هشام، ۱۹۷۵).

**** ان هذا الدين لمتين فواغل فيه برفق.

***** بعثت على الشريعة السمحة السهلة.

***** يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر (بقره (۲)، (۱۸۵).

قابلیت‌های لازم را داراست و خودساخته‌هایی هستند که خشیت خداوندی بر تمام وجودشان سیطره دارد، طبق اصول معینی به پیش می‌روند و وام‌دار هیچ فرد و جریان دیگری نیستند. * بدیهی است تصمیم‌های چنین انسان‌هایی از روی حُب و بغض، گروه‌گرایی، منافع شخصی طلبی، هوای نفس و امثال آن نخواهد بود. انسان‌هایی که خود را تحت خشیت الهی قرار می‌دهند، هم ظرفیت و پختگی به‌خصوصی دارند و هم از عالمان و اندیشه‌وران هستند. * شاید این‌که در روایت تصریح شده که با فشار نمی‌توان اندیشه و منطق الهی را ترویج و تثبیت کرد، به همین ظرفیت اخلاقی هدایت‌گران مرتبط می‌باشد. *** البته قرآن در خطاب به خود پیامبر اعظم تصریح کرده که: فقط از راه تذکر موظف به بیان حقایق و هدایت هستی **** (در عین حال این امور با فرض درک و سازگاری دیگر اندیشه‌ها و دستورالعمل‌های دینی است و برداشت تک‌سویه و دریافت ایده‌های آزادی‌خواهانه افراطی از آن‌ها قابل قبول نیست).

روح دستورات دینی و روح حاکم بر اندیشه و رفتار پیامبر، مسالمت‌جویانه، مداراطلبانه، و با گذشت و مشورت و مشارکت همراه است. **** توجه به تساوی مردم در برابر حقوق اجتماعی، پدیدآوردن اتحاد و مشارکت‌دادن مردم، توجه عملی به گسترش و نهادینه‌کردن صداقت و سلامت و اخلاص هم از شیوه‌های عملی حضرت است و هم در آموزه‌های نظری و دستورالعمل‌های حکومتی وی منعکس شده است. پیامبر از وضعیت مؤمن واقعی سه خصلت را تأکید می‌کند، یکی اخلاص در عمل است و دیگری داشتن روحیه نقد و نصیحت‌سازنده درباره رهبران جامعه است و سوم داشتن روحیه اتحاد و مشارکت می‌باشد. ***** تعابیری از قبیل: همه شما درباره توده مردم مسؤول هستید ***** و

* الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ (احزاب (۳۳)، (۳۹).

** إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (فاطر (۲۸)، (۲۸).

*** الطيش لا يقوم به حجج الله (قمی، بی‌تا).

**** فذكر انما انت مذكر.

***** فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران (۳)، (۱۵۹).

***** ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرء مسلم: اخلاص العمل لله، والنصيحة لائمة المسلمين واللزوم لجماعتهم (كليني، ۱۳۵۰).

***** كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ.

این که جامعه‌ای که در آن حقوق ضعیفان پایمال شود نمی‌تواند طاهر و پاک شود* در این جهت هستند.

از پیامبر چند بیان مشهور نقل شده که یادآوری آن‌ها در این قسمت مناسب به نظر می‌رسد: ۱. نمی‌توان انسان‌ها را از راه امور مالی راضی کرد ولی این کار با برخورد اخلاقی امکان دارد؛ ۲. خردمندترین مردم کسی است که با مردم بهتر و سازگارتر رفتار کند؛ ۳. هرگاه رهبران جامعه، نابخردان را گرامی دارند باید منتظر انواع بلاها بود.** در ضمن پیامبر در کنار اخلاق نیکو و رفتار متعادل، زمینه تدارک نهادها و سازمان‌های مورد نیاز برای یک جامعه رو به رشد را نیز فراهم کرده بود. بدیهی است این نهادها برای کارسازی در بازتولید سرمایه اجتماعی، نقشی اساسی دارند. بنابراین توجه وی و پیروانش به کارآمدی نظام آموزشی، امنیت اجتماعی، تأمین حداقل معیشت، مبارزه با فقر و بیکاری، شکل دادن نهادهای مردمی در بازار کسب و کار و سامان‌دهی نظارت در کارکردهای حکومتی و اعمال نوعی تعادل رفتاری در روابط بین‌المللی از این نمونه است (صدر، ۱۹۸۰؛ ابی‌الفرج، ۱۹۸۵ م: متر، ۱۳۶۲؛ سیستانی، ۱۴۱۴ ق؛ شوقی، ۱۹۹۴).

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به آسانی دریافت که: بدون آن‌که به‌طور صریح از سرمایه اجتماعی در ادبیات رفتاری و فکری پیامبر نام برده شود، مصادیق، مضامین و مفاد فراوانی در آن یافت می‌شود. به‌صورتی که گویی منشأ بسیاری از محصول‌های سرمایه اجتماعی در سیره و رفتار این اسوه بزرگ انسانی یافت می‌شود. با مروری عمومی به ره‌یافته‌های این مقاله می‌توان به سادگی نتیجه گرفت که در سیره رسول اکرم ﷺ هم خصایص سرمایه اجتماعی و هم معیارها و شاخص‌های آن‌ها قابل درک است. به‌عبارت دیگر فرضیه ناگفته این مقاله اثبات می‌شود.

* لن تقدس امة حتی یوخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیرمتعع (صالح، ۱۹۷۵).

** برای دریافت از دیگر ره‌آوردهای اخلاقی و دستورالعمل‌های حکومتی و دیگر ابعاد سرمایه‌ساز پیامبر می‌توان به منابع مفصل تاریخی و دینی مراجعه کرد (به‌صورت نمونه: طباطبایی، ۱۳۶۲؛ یعقوبی، ۱۳۷۸؛ مسعودی، ۱۹۶۵؛ مسکویه، ۱۳۷۹؛ صدوق، ۱۳۳۸؛ طوسی، ۱۳۶۱).

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. قرآن مجید.
۲. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۳. ابی الفرج، حافظ، استخراج الاحکام الخراج، مکه مکرمه، دارالباز، ۱۹۸۵م.
۴. ابی یوسف، قاضی، کتاب الخراج، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۷۹م.
۵. امام شهرستانی، کتاب الملل و النحل، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۴ش.
۶. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
۷. جامعه مدرسین (بخش فرهنگی)، ربا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۸. حرانی، ابو محمد، تحف العقول، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۹۶۱م.
۹. دادگر، یداله، اقتصاد بخش عمومی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، دوم، ۱۳۸۶ش.
۱۰. رسولی، هاشم، زندگانی حضرت محمد ﷺ، تهران، انتشارات علمیه، بی تا.
۱۱. رنانی، محسن، بازار یا نابازار، تهران، انتشارات سازمان برنامه، ۱۳۷۶ش.
۱۲. سیستانی، سیدعلی، قاعده لاضرر، قم، نشر المکتب السیستانی، ۱۴۱۴ق.
۱۳. السیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۰ش.
۱۴. شارع پور، محمود، ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. شریعتی، علی، سیمای محمد، تهران، انتشارات شاد، ۱۳۵۰ش.
۱۶. شوقی، محمدعلی، الوجیز فی الاقتصاد الاسلامی، بیروت، دارالشروق، ۱۹۹۴م.

۱۷. الصالح، صبحی، نهج البلاغه، الجزیره، تلمسان، ۱۹۷۵م.
۱۸. صدر، سید کاظم، نظام اقتصاد صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ش.
۱۹. صدر، سید محمد باقر، اسلام و مکتب های اقتصادی، محمد نبی زاده، تهران، نشر مهر، ۱۳۵۵ش.
۲۰. ———، اقتصادنا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۰م.
۲۱. صدوق، ابی جعفر، معانی الاخبار، بیروت، دارالعلم، ۱۳۷۸ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، سنن النبی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۵۴ش.
۲۳. ———، تفسیر المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ش.
۲۴. طبری، جریر، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، استقامه، ۱۹۳۶م.
۲۵. طوسی، محمد حسن، من لا یحضره الفقیه، تهران، انتشارات دارالکتب، ۱۳۶۱ش.
۲۶. حرّ، عاملی، وسائل الشیعه، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. عبدالملک، ابی محمد، سیره ابن هشام، بیروت، دارالجبل، ۱۹۷۵م.
۲۸. غفاری، غلام رضا، درآمدی بر وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران، تهران، گفتار ما، ۱۳۸۳ش.
۲۹. فوکویاما، فرانسیس، بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، غلام عباس توسلی، تهران، جامعه ایرانیان، ۱۳۷۷ش.
۳۰. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، مؤسسه نشر فراهانی، بی تا.
۳۱. کلن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ش.
۳۲. کلینی، یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰ش.
۳۳. ———، اصول کافی، تهران، دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
۳۴. مؤسسه در راه حق، زندگی پیامبر اسلام، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۱ش.
۳۵. متز، آدم، تمدن اسلامی، علی رضا ذکاوتی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۳۶. متوسلی، محمود و بی نیاز، علی، «رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در ایران»، تهران، مجله برنامه و بودجه، سال هفتم، ش ۳، ۱۳۸۱ش.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۳۸. مرتضی، جعفر، *السوق فی ظل الدولة الاسلامیه*، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۹۸۵م.
۳۹. مسعودی، حسن، *مروج الذهب*، بیروت، دارالاندلس، ۱۹۶۵م.
۴۰. مسکویه، ابوعلی، *تجارب الامم*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹ش.
۴۱. مشهور، عبداللطیف، *الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی*، قاهره، مکتب المدبوی، ۱۹۹۱م.
۴۲. مطهری، مرتضی، *پیامبر امی*، قم، انتشارات صدرا، بی تا.
۴۳. ———، *سیری در سیره نبوی*، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷ش.
۴۴. نمازی، حسین و دادگر، یدالله، *ارتباط اقتصاد متعارف، اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ش.
۴۵. واقدی، محمد، *جنگ های پیامبر*، محمود مهدوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ش.
۴۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، *پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۸۰ش.
۴۷. ———، *پیمایش ملی رفتارهای فرهنگی ایرانیان*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ش.
۴۸. هدایتی زاده، نجف، *مدخلی بر کار در اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی ائمه، ۱۳۷۷ش.
۴۹. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگ، ۱۳۷۸ش.
۵۰. یعقوبی، نورمحمد و الوانی، مهدی، «اعتماد و نقش آن در سازمان»، *مجله علوم انسانی*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱ش.

ب. لاتین

1. Arrow, K, 2000, *Observations on social capital*, Washington D.C, the World Bank.
2. Banston, K, L, 2000, *Sociology Basics*, Tulane University press.
3. Becker, G, 1964, *Human capital with special reference to education*, NY, Chicago University press.

4. Boisot, M, H. 1996, *information space*, London, Rout ledge.
5. Bourdiu, P, 1986, *The Forms of Capital*, New York, Greenwood.
6. Coleman, T, S, 1998, *Social Capital in the creation of human capital*, American, Journal of sociology, 94.
7. Dasqupta, P, Serageldin, I, 2000, *Social Capital*, Washington, D.C.
8. Denison, E, 1962, *the sources of economic growth*, NY, committee for Economic Development.
9. Fowler, B, 1997, *Pierre Burdiu,P and cultural theory*, London, sage Publication.
10. Fuckuyama, F, 1996, *trust*, New York, free press.
11. Glasser, E, Etal, 2000, *the economic approach to social capital*, NY, National Bureu for economic research.
12. Granovette, M, S, 1973, *the strength of weak ties*, American Journal of Sociology, 18, 13-60.
13. Grootaert, C, and Bastelaert, T, 2002, *understanding social capital*, the world Bank.
14. Knowles, S, 2006, *is social capital a determinant of Development?*, NY, United nation university press.
15. Lin, N, 2001, *Social Capital*, NY, Cambridge University press.
16. Mincer, T, 1958, *investment in Human capital*, Journal of political economy, 66, 281 - 302.
17. Nahpiet, J. and Ghoshol, S, 1996, *Social Capital, intellectual Capital*, Academy of management review, 23, 242.
18. Narayan, D, and Cassidy, M, 2006, *a dimensional, approach to measuring social capital*, current sociology, 49 (2), 50-105.

19. Putnam, R, 1996, *Bowling Alone*, Journal of Democracy, 6, 65 - 68.
20. Schults, T, 1961, *investment in Human Capital*, American Economic review, 51, 1 - 17.
21. Sen, A, 2005, *on Ethics and economics*, Delhi, oxford University press.
22. Solow, R, 2000, *Notes on social Capital*, Washington D.C. the world Bank.
23. Stone, W, and Hughes, T, 2002, *social capital*, Australian institute of family studies.
24. Washington, D, C, *Understanding social capital*, the World Bank.